

## نقش روحانیت اصفهان در انجمن ولایتی بر اساس مندرجات روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان

○ مهدی مهرعلیزاده

۲۸۵

اشاره

مقاله حاضر برآمده از طرح پژوهشی با عنوان «تحشیه و تحلیل و چاپ روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان» است که برای اولین بار مورد بررسی، تحلیل و تحشیه قرار گرفته است.

مقاله ابتدا به تبیین جایگاه و موقعیت روحانیت اصفهان مقارن با شکل‌گیری نهضت مشروطیت پرداخته، سپس موضوع مشروطیت در اصفهان و علل حمایت گسترده روحانیت اصفهان از آن را مورد بررسی قرار داده است. پیروزی نهضت مشروطیت و آثار آن بر شکل‌گیری انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اصفهان، علل و انگیزه حمایت روحانیت از انجمن ولایتی و تشکل و تداوم آن از ابتدا تا وقوع کودتا علیه نهضت نیز مورد توجه قرار گرفته است. بررسی بافت، ابعاد، شئون و اختیارات و اقدامات انجمن مقدس ملی اصفهان و روزنامه ارگان آن در ادامه مقاله پیگیری شده است. آخرین موضوعی که در مقاله مورد بررسی قرار گرفته، شناخت مواضع انجمن اصفهان در قبال نهادهایی همچون: مجلس شورای ملی، شاه و سلطنت، مشروطه و شخصیت‌های مقتدر معاصر خود است. در این بخش سعی شده است، دیدگاه و اقدامات انجمن با انگیزه شناخت حدود استقلال و کارایی آن مورد بررسی قرار گیرد.

## روحانیت و مشروطیت در اصفهان

اصفهان از جمله معدود مناطقی در ایران است که مجال آن را یافت تا در گذر تاریخ شاهد بروز آرا و نظریات گوناگون، پیدایش مکاتب و نحله‌های فرهنگی متفاوت و در نتیجه مآمن سلیقه‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی ناهمگون باشد.

در این منطقه در هر برهه زمانی، حرف اول را در زمینه فرهنگی به ویژه مذهبی گروهی گفته‌اند. زمانی مسلمانان سنی مذهب و گاهی شیعیان<sup>(۱)</sup>. اقوام و پیروان سایر ادیان این منطقه نیز در اوج قدرت سیاسی و دینی اکثریت، در آرامشی بیشتر از سایر نقاط زیسته‌اند.

مسیحیان<sup>(۲)</sup>، یهودیان<sup>(۳)</sup> و زرتشتیان<sup>(۴)</sup> از آن جمله‌اند که از حاکمیت روحیه تساهل و تسامح اسلامی بر مردم منطقه بهره برده و شاید آزادتر و امن‌تر از زیستگاه اصلی خود، مظاهر فرهنگ و تمدن قوم و نحله خویش را در اصفهان به نمایش گذاشته‌اند.<sup>(۵)</sup>

تداوم رویه تساهل و تسامح در اصفهان و خو گرفتن مردمش با آزاداندیشی که خود برآمده از اعتقاد دیرینه به اصل اسلامی «بشارت دهید کسانی را که اقوال گوناگون را می‌شنوند و بهترین را انتخاب می‌کنند»<sup>(۶)</sup> بود. این اعتقاد در مردم زمینه مساعدی بوجود آورد تا در اواخر قرن سیزده شمس - اوائل قرن بیستم میلادی - که جوامع بشری در همه جا دستخوش رستاخیز فراگیر اصلاح ساختار سیاسی کشورها شد و تشنه آگاهی و رهایی از وضع نابسامان خود و جامعه بود و نهضت‌های آزادی‌بخش یکی پس از دیگری از اقصی نقاط گیتی<sup>(۷)</sup> در برابر استعمار خارجی و استبداد داخلی قد برافراشته بودند، در کهن سرزمین ما ایران هم مردم به مدد دلسوزان صادق قوم در برابر غفلت طولانی و خود فراموشی حیرت‌آور حاکم بر همه شئون زندگیشان ایستادند و تلاش کردند تا تمامی آرزوهای خود را در زمینه‌های سیاست، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد با به ثمر نشاندن نهضت اصیل و پویا و مردمی خویش، تحقق بخشند.

نهضت مشروطیت مردم ایران در نیک زمانی درخشید و ملت ایران در بدو امر همه توان خود را در بالندگی آن به کار گرفت. دین که گران سنگ‌ترین سرمایه معنوی مسلمان ایرانی بود، راهبریش را به عهده گرفت. هر چند که گروهی بر آن عقیده بودند که: علل و زمینه‌های نهضت زاینده تفکر اسلامی است<sup>(۸)</sup>\* و شکل اجرایی را از دیگر ملل گرفته است<sup>(۹)</sup> و در گذر از مراحل طاقت فرسا با پشت سر گذاشتن موانع عدیده رهبر و حامی کارآمد واقعی آن روحانیت تشیع بوده است.<sup>(۱۰)</sup>

بجد اعتقاد بر این بود که: مشروطیت موهبتی الهی است برای اجرای حدود احکام تعطیل

\*- روال ارائه پاورقی از روزنامه: روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، سال ۱، شماره ۳۰، صفحه ۱، لذا در همه پاورقی‌های بعدی فقط به ذکر واژه اختصاصی روزنامه و اعداد سال، شماره و صفحه پرداخته شده است.

نقش روحانیت اصفهان در انجمن ولایتی بر...

شده اسلام<sup>(۱۱)</sup>. حتی آن دسته از روحانیت که بعدها متهم به مخالفت با مشروطه شدند، سخت بر این باور بودند که: مخالف با مشروطه و مجلس شورای صحیح، سخیف‌العقل و دوستدار ظلم می‌باشد<sup>(۱۲)</sup>. واضح است که دست کم از دیدگاه آن دسته از روحانیت شیعه که در ایران و خارج از ایران<sup>(۱۳)</sup> همه‌توان نه چندان کم خود را در زمینه پیروزی مشروطیت و تحکیم آن به کار گرفته بودند، مشروطیت نه تنها هیچ‌گونه مغایرتی با اسلامیت مردم ایران نداشت، بلکه بر این باور بودند که موجب ترویج دین ضعیف شده خواهد بود<sup>(۱۵)</sup>. دیدگاه فوق ویژه پایتخت نشینان نبود. در اصفهان نیز همچون شهرستانهای بزرگ کشور - که کم و بیش در شکل‌گیری و تداوم مشروطه دستی داشتند - تلقی روحانیت و نگرش مردم و نهادهای اجتماعی، حاکی از آن بود که: نهضت مشروطیت مساوی با اسلام<sup>(۱۶)</sup> و قوانین آن برگرفته از متن شریعت می‌باشد<sup>(۱۷)</sup> و جز با رهبری روحانیت زمینه پیدایش نداشته است<sup>(۱۸)</sup>.

نهاد روحانیت اصفهان در عصر مشروطیت منسجم مقتدر و از جنبه تخصصی کارآمد و نظریاتش نافذ بود. هنوز اقرار ساده لوحانه ظل‌السلطان - مستبدی که یکی از طولانی‌ترین ادوار حکومت بر اصفهان را داشت - در خاطره‌ها بود که بعد از درگذشت آیت‌الله میرزا سیدمحمد امام جمعه و روحانی برجسته اصفهان ناباورانه احساس درونی خود را این چنین بیان داشت که: «امروز می‌توانم بگویم اصفهان مال من است»!<sup>(۱۹)</sup> لذا اقتدار روحانیت در اصفهان مقارن نهضت مشروطیت علی‌رغم حضور شاهزاده‌ای مستبد چون ظل‌السلطان - که همه چیز و همه کس را ملک شخصی خود می‌شمرد و برای احدی جز خود حقی قائل نبود - محسوس و تعیین‌کننده بوده است<sup>(۲۰)</sup>.

مقارن نهضت مشروطیت و زمانی قبل از آن زعامت روحانی شهر و روحانیت اصفهان با آیت‌الله محمدتقی نجفی مشهور به حجة الاسلام یا آقانجفی<sup>(۲۱)</sup> (۱۳۳۲ - ۱۲۶۲) و برادرش آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی مشهور به ثقة الاسلام<sup>(۲۲)</sup> (متوفی ۱۳۰۶ ش) بود که در عرصه حضور در امور اجتماعی و سیاسی کشور میان هم‌صنفان، مشابه زیادی نداشت. آقا نجفی فرزند حاجی شیخ محمدباقر اصفهانی (متوفی ۱۳۰۱ ق) از یک خانواده بزرگ اصفهانی بود<sup>(۲۳)</sup> و در محضر امام مجدد آیت‌الله میرزای شیرازی درس خوانده و مورد وثوق و اطمینان وی بود که در جریان نهضت تحریم تنباکو به حمایت از فتوای استاد قیام کرد<sup>(۲۴)</sup>. آیت‌الله حاج آقا نورالله که سوابق روشن و مواضعی صریح در مبارزه با استبداد و استعمار داشت، از جمله مراجع اعلم کشور بود<sup>(۲۵)</sup>. جایگاه سیاسی اجتماعی این خانواده را باید به گونه‌ای نمایاند که واقعیات آن زمان را به درستی شامل شود. نباید فراموش کرد که حکومت چندین ساله ظل‌السلطان در اصفهان - که باید آن را دوران وحشت و رکود همه جانبه اصفهان

نامید - با پافشاری ایشان بر افتاد<sup>(۲۶)</sup> و آنگاه که مجلس شورای ملی قصد داشت نیرالدوله را به حکومت اصفهان بگمارد، ترضیه خاطر آقاجنقی و کسب موافقت ایشان را پی گرفت.<sup>(۲۷)</sup> با مطالعه برخی اسناد و مکاتبات این دوره نکته شایان توجهی به چشم می خورد که حاکی از تقدم نام حجة الاسلام بر نام حاکم اصفهان است.<sup>(۲۸)</sup> این امر موضوع کوچکی نبود که از نظر عمال متفرعن حکومت کم اهمیت باشد. حتی سفیر عثمانی که پس از مشروطه نظامیان کشورش نقاط قابل ملاحظه ای از غرب ایران را اشغال کرده بودند و به اعتراضات دولت ایران وقعی نمی نهاد، خود را موظف دانست که با ارسال نامه ای مفصل و توجیه کننده اعمال دولت خود را کتمان نماید و سعی در ترضیه خاطر ایشان داشته باشد.<sup>(۲۹)</sup> آقاجنقی نه تنها روحانی مورد وثوق آیت الله آخوند خراسانی<sup>(۳۰)</sup> چهره برجسته روحانیت تشیع در عتبات بود و مردم ولایت اصفهان نظریاتشان را مطاع می دانستند، بلکه روحانیون و مشروطه خواهان از سواحل خلیج فارس گرفته تا ایالات و ولایات: فارس،<sup>(۳۱)</sup> یزد،<sup>(۳۲)</sup> کرمان<sup>(۳۳)</sup> و چهارمحال بختیاری<sup>(۳۴)</sup> و ... روحانیت و انجمن اصفهان را حامی خود دانسته، گزارش امور را به ایشان ارائه می دادند. مندرجات روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان که ارگان انجمن ولایتی اصفهان بود و مطالبش را می توان به عنوان نظرها و مواضع اعضای انجمن خصوصاً روحانیت طراز اول شهر که رهبری انجمن و مشروطه اصفهان را عهده دار بودند، دانست، حکایت از آن دارد که نهضت مشروطیت در کشور<sup>(۳۵)</sup> و اصفهان بدون حمایت و تلاش روحانیت تحقق نمی یافت و در هر مرحله که نهضت با مشکل اساسی روبرو بود، از حمایت جدی و گسترده آیت الله نجفی بهره مند می شد. وی گفته است: «از قرار مسموع دوباره بعضی مستبدین عازم مخالفت با مجلس مقدس شده اند. بحمدالله مجلس مورد نظر مبارک حضرت حجة الله صلوات الله علیه است. عموم علمای اسلام خصوصاً علمای اصفهان حمایت از مجلس دارند. عموم اهل اصفهان فدائیان مجلس شورای ملی و مجالس مقدسه انجمن های ملیه و اسلامیه هستند».<sup>(۳۶)</sup> این مطلب می نمایاند که مشروطه و مجلس شورای ملی و انجمن مقدس ملی چون مورد نظر امام عصر(عج) می باشد، اهل اصفهان فدایی آن هستند. غیر از این نیز انگیزه دیگری نمی توانست روحانیت و مردم را به نحوی در حمایت از نظام نوظهور متقاعد سازد که تمامی علمای طراز اول اصفهان در منزل آیت الله نجفی جمع شده و در حمایت از مشروطه سوگند یاد نمایند<sup>(۳۷)</sup> و انجمن های متعدد در دفاع از آن ایجاد کنند<sup>(۳۸)</sup> و حتی با آن دسته از علما که معترض به مشروطه بودند، عملاً به مخالفت برخیزند<sup>(۳۹)</sup> و علی رغم عدم درک آن توسط برخی از مردم<sup>(۴۰)</sup> و بی تفاوتی اکثر آنها در قبال سرانجام آن،<sup>(۴۱)</sup> از نهضت حمایت کنند. جرائد بارها یادآوری کردند که «حجج اسلام از جان گذشته و این مجلس مقدس را برپا نمودند

نقش روحانیت اصفهان در انجمن ولایتی بر...

از برای آنکه ریشه کفر را قلع و قمع نمایند»<sup>(۴۲)</sup> و در حمایت از مشروطه تا مرحله دفاع نظامی از نهضت ایستادگی کردند<sup>(۴۳)</sup> و علیه محمدعلی شاه و اطرافیانش فتوا دادند.<sup>(۴۴)</sup>

اکنون پاسخ به این سؤال مهم ضرورت دارد که روحانیت اصفهان در مشروطیت چه را می یافت و از مشروطه چه تلقی داشت که تا این حد در پایداری آن اصرار ورزید؟ در پاسخ، روزنامه انجمن مقدس ملی گزارش می دهد که «عقیده اهل اصفهان از علما و سایرین آن است که طریق احیا و بقای اسلام و رفع مفسد و نجات از اجانب منحصر است به مجلس»<sup>(۴۵)</sup> و در جای دیگر نوشته است که: سی نفر از اعظام روحانیون اصفهان که اغلب مجتهدین و مراجع تقلید بودند بر ورقه ای مهر نهادند که محتوای آن، مبنای مشروطیت را بر اساس مقدس اسلام و احیای شریعت می دانستند.<sup>(۴۶)</sup> از دید آنها «اول قانون مشروطه، عبادت حق و متابعت انبیا تلقی گردید»<sup>(۴۷)</sup> و از آنجا که علما را بانی تشکیل مجلس شورای ملی می دانستند،<sup>(۴۸)</sup> لذا «قانون فرنگی آن را هم ترجمه فقه خود می شمردند».<sup>(۴۹)</sup> در تفکر روحانیت و مردم مشروطه خواه اصفهان هیچ گونه تفاوتی بین مشروطه و اسلام وجود نداشت و بر این اساس حفظ اسلام را موکول به حفظ مشروطه دانستند.<sup>(۵۰)</sup> با حربه مشروطه مترصد رها کردن ایران از چنگال روس و انگلیس<sup>(۵۱)</sup> و برداشتن رسوم فرنگی از ایران بودند!<sup>(۵۲)</sup> حتی آیت الله آخوند خراسانی از عتبات به آقانجفی نوشت «چطور است که ما در هر یک از فروع نادره فقه چندین ماه بحث و تحقیقات می نمایم.

امر مشروطیت که از اهم فرائض امروزه است متروک نماند. خوب است در این باب محکم مستحکم مدتی [در دروس حوزه] مباحثه و مذاکره نمایم.»<sup>(۵۳)</sup>

البته باید این مهم را متذکر شد که از دیدگاه روحانیت حامی مشروطیت در اصفهان، وظیفه نمایندگان مجلس دخالت در شریعت نبود و آزادی مطرح شده به معنای حریت در مذاهب تلقی نمی شد و مخالفت خود را با آن ابراز کرده بودند.<sup>(۵۴)</sup> لذا با همان شور و اشتیاقی که از مشروطه دفاع کردند از مشروع شدن حکومت و تصویب متمم قانون اساسی که حاصل تلاش مشروطه خواهان نهضت مشروطه بود نیز استقبال نمودند.<sup>(۵۵)</sup>

### روحانیت و انجمن مقدس ملی اصفهان

روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان در نخستین شماره خود که به تاریخ ۲۱ ذیقعه ۱۳۲۴ ق منتشر گردید خبر داد: «روز شنبه ششم ذیقعه ۱۳۲۴ [ق] انجمن مقدس در چهل ستون افتتاح گردید.... و آقای حجة الاسلام و ثقة الاسلام... در اتاق نشسته، مجلسی آراستند».<sup>(۵۶)</sup> ریاست انجمن با حاجی آقا نورالله (ثقة الاسلام) بود.<sup>(۵۷)</sup> در شروع کار جلسات انجمن دو روز در هفته

بعد از ظهر روزهای شنبه و سه شنبه برگزار می‌گردید<sup>(۵۸)</sup> و در مواقع بروز حوادث و مشکلات بزرگ برای کشور جلسات انجمن به صورت سری<sup>(۵۹)</sup> یا هر روز تشکیل می‌شد.<sup>(۶۰)</sup> در بدو امر نظامنامه و دستورالعمل قانونی خاصی جهت تشکیل انجمن وجود نداشت و اعضای اولیه انجمن مقدس ملی اصفهان را مشروطه‌خواهان اصفهان اعم از روحانیون و بازاریها تشکیل می‌دادند. افراد هر چه با نفوذتر و وجیه‌المله‌تر، در انجمن مقتدرتر بودند. بر اساس مندرجات روزنامه انجمن روحانیون اصفهان در انجمن نقش و حضور مقتدری داشتند به گونه‌ای که بدون ایشان تصور شکل‌گیری و تداوم پر قدرت انجمن ممکن نبود. از میان خیل روحانیت موافق با مشروطه آقایان آیت‌الله آقاجفی و ثقة‌الاسلام حاجی آقا نورالله<sup>(۶۱)</sup> و شریعتمداران آقا سید ابوالقاسم دهکردی، آخوند ملا عبدالکریم جزئی، آقا شیخ مرتضی یزدی، آقامیرزا محمدعلی کلباسی،<sup>(۶۲)</sup> شیخ الاسلام، آقا سید سراج‌الدین صدرعاملی، آقا سید محمدباقر سدهی،<sup>(۶۳)</sup> حاجی میرزا ابوالحسن بروجردی،<sup>(۶۴)</sup> آقامیرزا علی زنجانی،<sup>(۶۵)</sup> حاج علی‌بابا مازندرانی<sup>(۶۶)</sup> و از میان اعیان و تجار حاجی ملک‌التجار،<sup>(۶۷)</sup> حاجی محمدحسین کازرانی،<sup>(۶۸)</sup> و میرزا رضاخان نائینی، محاسب‌الدوله و حاجی مشیرالملک<sup>(۶۹)</sup> از اعضا یا حضار برجسته در انجمن مقدس ملی اصفهان بودند. بر اساس گزارش روزنامه اعضای انجمن اصفهان محدود به افراد فوق نبود بلکه: «در ساعت مذکور حجة الاسلام و ثقة الاسلام مدظلهما و سایر علما تجار و وجوه اعیان در مجلس بار عام کردند و جمعیت عمومی هم بسیار بود».<sup>(۷۰)</sup>

طبعاً تعداد فراوان اعضا و حاضرین در انجمن و ازدحام گسترده شش هزار<sup>(۷۱)</sup> نفری مردم در محل تشکیل انجمن باعث بروز اعتراضاتی از داخل و خارج<sup>(۷۲)</sup> انجمن به بی‌نظمی در جلسات آن شده بود.<sup>(۷۳)</sup> مردم از انجمن توقعات بی‌جا داشتند<sup>(۷۴)</sup> و مترصد حل مشکلات و مرافعات شخصی خویش بودند، مشکلاتی کوچک و شخصی که در طول سالهای طولانی مجال گفتن آنها را نداشتند. در این میان آقای ثقة‌الاسلام بود که دائم به گوش انجمن نشینان اصفهانی و مردم می‌رسانید که: «وظیفه این انجمن مقدس مذاکره در اصلاحات کلیه و مشاوره در امورات نوعیه است و رسیدگی به جزئیات امور، خارج از وظیفه اوست».<sup>(۷۵)</sup> به تدریج احساس شد که بدون دستورالعمل و روشی مدون انجمن کارآیی لازم را ندارد و قادر به ادامه حیات نیست. لذا با توجه به اینکه مجلس شورای ملی نیز قانونی در این زمینه وضع نکرده و دائم خبر از آن می‌داد که مجلس در حال تدوین نظامنامه انجمن‌های ولایتی و بلدی می‌باشد، بناچار اصفهانی‌ها خود در صدد چاره‌جویی برآمدند. در جلسه روز شنبه ۱۴ ذیحجه ۳۲۴ نظامنامه موقتی را که خود تهیه کرده بودند، تصویب کردند. «در ابتدا این نظامنامه موقتی را یک نفر با

نقش روحانیت اصفهان در انجمن ولایتی بر...

صدای بلند قرائت کرد تا از مجلس تهران نظامنامه انجمن برسد که چندی است اهالی منتظر هستند».<sup>(۸۰)</sup>

در نظامنامه موقتی انجمن ملی اصفهان نحوه انتخاب اعضا، وظایف انجمن و حیطه اختیارات او در پانزده فصل بیان شده بود.<sup>(۸۱)</sup> از این زمان به بعد انجمن فعالیت و اقدامات خود را بر اساس این نظامنامه ادامه داد و اعضای قبلی انجمن تثبیت شدند. هر چند که این امر تا ماهها بعد مورد اعتراض برخی مشروطه خواهان بود و صریحاً در جلسه روز سه شنبه ۲ ربیع الاول ۱۳۲۵ چنین مطرح شد:

«آسید ابراهیم اجازه نطق خواسته اظهار داشت که... این انجمن چنانکه باید نیست و اجزای آن طور که شاید نیستند و اجزا به انتخاب ملت تعیین نشده، باید انتخاب [انتخابات] شود».<sup>(۸۲)</sup> گر چه عده ای این بیان را ضدیت با ثقة الاسلام تلقی کردند و بلافاصله ابراز داشتند که: «حاضرین انجمن و عموم مردم متفق الکلمه ندا کردند، ثقة الاسلام را می خواهیم و جداً باید در انجمن باشند».<sup>(۸۳)</sup> اما از بعد دیگر باید اذعان داشت که آزادی بیان افراد در انجمن اصفهان تا مرحله درخواست تعطیلی انجمن و زیر سؤال بردن اعضای آن توسط منتقدینش تضمین شده بود.

انجمن مقدس ملی اصفهان تلاش کرد تا به تدریج نظم مورد نظر خود را در انجمن های تشکیل شده در سطح ولایت اصفهان - که پس از این از آنها سخن گفته خواهد شد - اعمال نماید. لذا بافت این قبیل انجمن ها را در قالب دستورالعمل هایی به شهرها و قراء مختلف ولایت اصفهان ابلاغ کرد<sup>(۸۴)</sup> و از آن جا که برای موضوع تجارت در اصفهان شآن و جایگاهی ویژه قائل بودند، انجمن - یا مجلس - تجارتي اصفهان را به عنوان انجمن اقماری که مسائل و مشکلات بخش بازار و تجارت را مستقل از سایر موضوعات مورد بررسی قرار می داد، تاسیس نمودند. این انجمن به دعوت حاجی محمدحسین کازرانی بازرگان مشهور اصفهانی، از تجار عمده شهر تشکیل شد و دارای ۱۲ عضو بود.<sup>(۸۵)</sup>

پس از تصویب نظامنامه انجمن ولایتی توسط مجلس شورای ملی در اصفهان نیز انتخابات رسمی منطبق با قانون آغاز شد. از آنجا که در این نظامنامه تعداد اعضای انجمن بین اقشار مختلف تقسیم شده بود، انجمن ماهیتی طبقاتی داشت. (علما ۵ نماینده،<sup>(۸۶)</sup> تجار ۴ نماینده،<sup>(۸۷)</sup> طلاب ۲ نماینده و برخی از صنوف هر یک یک نماینده) هر گروه و صنف، شروع به فعالیت انتخاباتی کردند. پس از تکمیل تدریجی انتخابات انجمن - که با انتخاب دو نماینده طلاب به نامهای آقا سید محمدحسن قمشه ای و آقامیرزا محمدعلی کلباسی در ۱۸ رمضان ۱۳۲۵ تقریباً کامل شد - آقای ثقة الاسلام و میرزا ابوطالب خواهان رعایت دقیق نظم و قانون در

کار انجمن شدند و رئیس انجمن طی اختطاری غیرمرسوم گفت: «از این هفته باید ترتیبی فراهم کرد که هر کس در ورود به انجمن محترم حد خود را بداند».<sup>(۸۸)</sup> آیا مخاطبین این سخن ثقة الاسلام هرج و مرج طلبان حاشیه انجمن و شهر بودند یا معترضین به قدرت بلامنزاع خود را - به عنوان اول منتخب اصفهان<sup>(۸۹)</sup> - تلویحاً تهدید می کرد؟ این نکته جای تعمق دارد.

از این دوره به بعد نیز انجمن تحت سرپرستی قانونی آیت الله ثقة الاسلام و نظارت عالیته آیت الله آقاجفی - که در صورت لزوم در جلسات حضور می یافت - و با حضور مداوم و کارآمد روحانیت شهر تا زمان پیدایش دوره استبداد صغیر با اقتدار به حیات خود ادامه داد. این اقتدار انجمن بر همگان خصوصاً شخص حاکم آن چنان محسوس بود که حاکم اصفهان گفت: «هر حکمی را که انجمن اعلام دارد من اطاعت و اجرا می کنم».<sup>(۹۰)</sup> در دیدگاه رونامه انجمن، از بدو تاسیس انجمن مقدس ملی در اصفهان (۶ ذی قعدة ۱۳۲۴) تا زمان وقوع کودتا علیه نهضت مشروطه، حضور و رهبری روحانیت اصفهان در انجمن تعیین کننده بود و توسط ایشان شالوده آن ریخته شد<sup>(۹۱)</sup> و با کمک آنها حتی کمک نظامی<sup>(۹۲)</sup>، به فعالیت خود ادامه داد. روحانیت اصفهان به منظور تقویت انجمن و پاسداری از نهضت مشروطه هر چهارشنبه انجمن اتحاد علمای بزرگ اصفهان را که متشکل از ۲۲ مجتهد طراز اول شهر بود، تشکیل داد.<sup>(۹۳)</sup> گزارش اسناد حاکی از آن است که انجمن بدون حضور ثقة الاسلام تشکیل جلسه نمی داد<sup>(۹۴)</sup> و در هنگامی که ثقة الاسلام به منظور تنبه مردم و جلب توجه آنان به خطراتی که نهضت را تهدید می نمود، اعلام استعفا کرد،<sup>(۹۵)</sup> همگان هراسان شده خویشان را بدون حامی یافتند. از دیدگاه مجلس شورای ملی نیز موقعیت و جایگاه روحانیت اصفهان با اهمیت و تعیین کننده بود. مجلس خود را موظف می دید که جهت حل ناامنی و مشکلات موجود نه فقط اصفهان بلکه در منطقه جنوب کشور به آقاجفی و ثقة الاسلام تلگرافی قول حل مشکلات را دهد در این باب تلگراف مجلس شورای ملی به روحانیت اصفهان مبنی بر قول به رفع مشکلات و ناامنی از شیراز شایان توجه است.<sup>(۹۶)</sup>

### روزنامه انجمن ارگان انجمن اصفهان

یکی دیگر از موضوعات درخور توجه پیرامون انجمن مقدس ملی اصفهان ضرورت شناخت اجمالی<sup>(۹۷)</sup> ارگان آن روزنامه<sup>(۹۸)</sup> انجمن مقدس ملی اصفهان است. نخستین شماره این روزنامه در تاریخ یکشنبه ۲۱ ذی قعدة ۱۳۲۴ مطابق ۶ ژانویه ۱۹۰۶ در شهرستان اصفهان منتشر گردید. مسئول یا مدیر کل آن آقا سیدسراج الدین صدر جبل عاملی الموسوی، نگارنده و دبیر اداره آن میرزا محمدعلی که در مطبوعه سعادت اصفهان هر یک شنبه طبع و دوشنبه<sup>(۹۹)</sup> - بعضاً

نقش روحانیت اصفهان در انجمن ولایتی بر...

جمعه‌ها طبع و شنبه‌ها - منتشر می‌شده است<sup>(۱۰۰)</sup> روزنامه در داخل و خارج از کشور توزیع می‌گردید<sup>(۱۰۱)</sup> و در طول پنج سال تا مورخ پنج‌شنبه ۸ ذیحجه ۱۳۲۹ آخر نوامبر ۱۹۱۱ انتشار یافته است.<sup>(۱۰۲)</sup> البته در دوره استبداد صغیر روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان نیز همچون سایر جراید کشور تعطیل بود. روزنامه از ابتدا تا شماره ۲۱ سال دوم با نام روزنامه «انجمن مقدس ملی اصفهان» چاپ شد و از شماره ۲۲ سال دوم<sup>(۱۰۳)</sup> به بعد با نام انجمن مقدس ولایتی اصفهان و از سال سوم به بعد با نام انجمن اصفهان منتشر گردیده است.

روزنامه از ابتدا تا شماره ۶ دارای ۴ صفحه<sup>(۱۰۴)</sup> و از شماره ۷ به بعد در ۸ صفحه چاپ می‌شد.<sup>(۱۰۵)</sup> قیمت روزنامه تا شماره ۷ سالانه ۱۵ قران و از شماره ۸ به بعد به دلیل افزایش تعداد صفحات سالانه ۲۰ قران اعلام گردید. در صفحه اول نخستین شماره روزنامه هدف و جایگاه روزنامه را این چنین شرح داده است: «این جریده مطلق و آزاد است و از تمامی فوائد و مصالح ملت و نتایج و مذاکرات انجمن مقدس ملی اصفهان و وقایع مهمه آن و هر گونه مطلبی که راجع به مواد سیاسی و پلتیکی و تجارتی و اجتماع ملی بوده باشد درج می‌شود».<sup>(۱۰۶)</sup> روزنامه هدف خود را توسعه دایره اسلامیت و نوامیس شریعت و قواعد تمدن و توسعه افکار و آرای ملت ذکر می‌نماید.<sup>(۱۰۷)</sup> در کنار این هدف به نظر می‌رسد روزنامه ضمن حمایت از اسلام و انجمن مقدس ملی اصفهان خود را موظف به حمایت کامل از نظریات و موضع آقای ثقة‌الاسلام می‌دانسته و بجد از ایشان حمایت کرده است.<sup>(۱۰۸)</sup>

روزنامه نسبت به حکومت سلسله قاجار مواضع مخالف صریح اتخاذ کرد و صریحاً نوشت که: «آل قاجار در حق ملت ایران سیئات بزرگ انجام داده است».<sup>(۱۰۹)</sup> هر چند که نباید از نظر دور داشت که بروز حوادث جزئی و کاملاً شخصی خصوصاً مالی کافی بود تا روزنامه را تحت تاءثیر خود قرار دهد.<sup>(۱۱۰)</sup>

از جمله نقاط مثبت دیگر روزنامه توجه جدی آن به امور و حوادث خارج از اصفهان است.<sup>(۱۱۱)</sup> اطلاعات آمده در روزنامه متنوع و در برگیرنده اهم حوادث مشروطیت در نقاط مختلف ایران مخصوصاً صفحات جنوبی کشوری می‌باشد. توجه ساکنین این مناطق به روزنامه انجمن آن چنان بود که تصور می‌شد که روزنامه تنها محل رجوع انقلابیون جنوب ایران بوده است.<sup>(۱۱۲)</sup>

### انجمن در دیدگاه روحانیت اصفهان

همان اهداف و انگیزه‌هایی که روحانیت اصفهان را متقاعد ساخت تا فعالانه در نهضت مشروطیت تلاش کند، او را به رهبری و حمایت از انجمن مقدس ملی که برآمده از متن نهضت

بود، و ادار ساخت. نحوه نگرش ایشان به مشروطه و مجلس و حدود و ثغور آن قبل از این گفته شد.<sup>(۱۱۳)</sup> به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال مهم، ضروری است که در دیدگاه روحانیت اصفهان، انجمن مقدس ملی چه ویژگی‌هایی داشت که با همه توان در جهت ایجاد و حفاظت از آن حرکت کرد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت: در اسلام اهتمام به امور عمومی از جمله وظایف هر فرد شمرده شده و در نظر روحانیت، انجمن مقدس ملی سمبل تحقق چنین امری بود. آیت الله ثقة الاسلام به عنوان مسئول انجمن اصفهان خدمات و کارنامه انجمن را طی نطقی مفصل در ۱۸ مورد برای مردم چنین برشمرد: ۱- انتخاب و کلاهی مجلس طبق نظامنامه ۲- انجام انتخابات انجمن مقدس ملی اصفهان طبق نظامنامه ۳- جلوگیری از مستبدین در کمال متانت و دانایی ۴- همراه کردن هفتصد هزار نفر با مشروطه در ولایت اصفهان! ۵- تأمین امنیت در شهر و طرق ۶- ممانعت از ظلم ظالمین که تاکنون دیناری تعدی به شهر و بلوک نداشته‌اند ۷- اهتمام به فراوانی اجناس و ارزاق در اصفهان ۸- تقسیم عادلانه آب زاینده رود بدون درگیری‌های مرسوم ۹- تأسیس انجمن بلدییه و شروع به کار آن طبق نظامنامه ۱۰- تشکیل انجمن‌های متعدد که اطاعت از مجلس و مشروطه دارند. و ترویج فلاح و صنعت در اصفهان ۱۱- تشویق تولید منسوجات در داخل و تشویق مردم به استفاده از تولید داخلی ۱۲- رسیدگی به امور نظامیان و نظارت دقیق بر فعالیت آنها ۱۳- موضع گرفتن در برابر تعدی دولت عثمانی و کمک به دولت و ملت ۱۴- توسعه معارف و تأسیس مریض‌خانه و سیزده باب مدارس جدید ۱۵- ترتیب قشون ملی با حضور مردم به استعداد پنجاه هزار نفر به خرج ملت ۱۶- جمع‌آوری و پرداخت مالیات مطابق دستورالعمل مجلس ۱۷- نظارت انجمن به همه امور و کمک به دولت طبق نظامنامه ۱۸- تلاش جهت ایجاد بانک ملی در اصفهان.<sup>(۱۱۴)</sup>

قبل از این گفته شد که یکی از مشکلات اساسی که بر انجمن تحمیل شد و تقریباً تا آخر نیز کم و بیش وجود داشت، توقع مردم از انجمن در حل مشکلات شخصی و کشاندن آن به جزئیات بود. علی‌رغم این واقعیات اعتقاد راسخ روحانیون انجمن بر آن بود که وظیفه انجمن پرداختن به امور کلی و اساسی است و انجمن حق رسیدگی به همه امور و همه ادارات را ندارد.<sup>(۱۱۵)</sup> اما منظور از رسیدگی، اجرا و دخالت مستقیم در امور نبود.

ثقة الاسلام در این باب به حاکم اصفهان نوشت: «انجمن حق عزل و نصب و تغییر ندارد. فقط نظارت دارند و شرط نظارت رسیدگی است. دیگر باقی امور با کارگزاران دولت است.»<sup>(۱۱۶)</sup> لذا دائم این مهم گوشزد می‌گردید که وظیفه انجمن فقط نظارت می‌باشد<sup>(۱۱۷)</sup> و «قوة مجریه با حکومت است.»<sup>(۱۱۸)</sup> تلاش انجمن بر آن بود که حتی المقدور از گرفتار شدن به امور اجرایی خودداری کند. اما چون ضرورت ایجاب می‌کرد یا مسئولین امر در انجام وظایف

نقش روحانیت اصفهان در انجمن ولایتی بر...

محواله تعلل می‌ورزیدند، مستقیماً وارد به امور می‌شد و مالیات می‌گرفت ولو با تنبیه متخلفین،<sup>(۱۱۹)</sup> مترصد ایجاد امنیت بود حتی به قیمت تغییر حاکم اصفهان،<sup>(۱۲۰)</sup> با منصب فروشی مبارزه می‌کرد،<sup>(۱۲۱)</sup> با متعرضین به حقوق دولتی برخورد می‌نمود،<sup>(۱۲۲)</sup> متحصنین ظالم در اماکن مقدسه را بیرون می‌کرد.<sup>(۱۲۳)</sup> رئیس قشون را مورد بازخواست قرار می‌داد.<sup>(۱۲۴)</sup> به تخلفات افراد ولو اتباع خارجی رسیدگی می‌نمود.<sup>(۱۲۵)</sup> اقدام به جمع‌آوری اسلحه و اعلان ممنوعیت حمل سلاح می‌کرد.<sup>(۱۲۶)</sup> با اصرار حکام نالایق را از طریق دولت مرکزی تعویض می‌نمود.<sup>(۱۲۷)</sup> و بعضاً آن‌چنان در جزئیات وارد می‌شد که نحوه پبانداری ذغال را مشخص می‌نمود.<sup>(۱۲۸)</sup> یا مقدمات تعمیر اصطبل میرآخور شهر را هم فراهم کرد!<sup>(۱۲۹)</sup>

از جمله ویژگیهای مهم انجمن مقدس ملی اصفهان که شاید در کارنامه سایر انجمن‌های تشکیل شده در سطح کشور کمتر مشاهده شده است، موضوع حضور زنان در انجمن و مطرح کردن نظریات خود مخصوصاً در امور اجرایی و سیاسی بوده است.<sup>(۱۳۰)</sup> از دید روحانیت اصفهان، انجمن صرف نظر از بعد انقلابی و تبلور مشروطیت در آن، از آن جنبه که انجمن وسیله‌ای جهت تحکیم مبانی اسلامی و اجرای دقیق قوانین شرع در جامعه بود، مورد احترام شمرده می‌شد. اضافه شدن صفت مقدس توسط روحانیون به نام انجمن ولایتی اصفهان خود حاکی از وجود چنین اعتقادی بوده است.

البته روحانیت اصفهان حق داشت چنین ماهیتی را برای انجمن قائل باشد. زیرا انجمن اصفهان با توجه به عملکرد و بافت ویژه‌اش در جهت مسیری که مورد نظر متشرعین بود حرکت می‌کرد. لذا به نظر می‌رسد تحت تأثیر چنین واقعیاتی بود که روحانیت عضو انجمن اصفهان به ۱۴ بلاد کشور تلگراف زد و حرمت مخالفت با مشروطه را به آنها گوشزد نمود<sup>(۱۳۱)</sup> و با آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری مجتهد اعلم پایتخت<sup>(۱۳۲)</sup> و مشروعه‌خواه نهضت مشروطه در افتاد<sup>(۱۳۳)</sup> و خلع محمدعلی شاه از سلطنت را اعلام و علیه او و اطرافیان فتوای شرعی صادر کرد.<sup>(۱۳۴)</sup>

#### موضع انجمن در قبال حوادث مهم، افراد و نهادها

از دیگر مباحث مهم در خصوص انجمن مقدس ملی اصفهان که به شدت متأثر از حضور روحانیون و بافت اعضای آن بود، ضرورت شناخت مواضع انجمن در قبال نهادها و اشخاص و حوادث مهمی بود که مقارن با حیات انجمن پدیدار گشتند. شناخت این مهم جایگاه ویژه انجمن اصفهان و حدود کارآیی و استقلال آن را از اشخاص و جریانهای تأثیرگذار مشخص می‌سازد.

موقعیت نهاد سلطنت و شخص پادشاه از دیدگاه انجمن اصفهان بسته به موضع آن در قبال مشروطیت و مجلس شورای ملی بود. علی‌رغم آنکه محمدعلی شاه در ایام ولایتعهدی و اقامت در تبریز سابقه خوبی از خود در خاطر انقلابیون این شهر که قطب انکارناپذیر نهضت مشروطیت بودند، به جای نگذاشته بود و مردم تبریز پس از پیروزی مشروطه نسبت به وی نظر موافق نداشتند، انجمن اصفهان در بدو امر، جلوس میمنت‌مآئوس شاه جوان بخت را بر تخت تبریک گفت. (۱۳۵) با سرباز زدن شاه از تأیید قانون اساسی و مقاومت در برابر مجلس، انجمن اصفهان اعلان کرد که نسبت به دولت و دربار و شاه سوءظن دارد و خواستار اصلاح رفتارشان در قبال نهضت شد. (۱۳۶) چون محمدعلی شاه خیال داشت امین‌السلطان را (که سابقه مناسبی نداشت) به ایران آورده، زمام امور صدارت و کشور را در دست او قرار دهد، انجمن امین‌السلطان را خائن به ملت و کشور، دربار را دشمن آزادی و مشروطه، و شاه را آلت دست مستبدین معرفی کرد. (۱۳۷) در سالگرد تشکیل مجلس شورای ملی که به زعم مشروطه‌خواهان شاه و دولت کمال همراهی را با مجلس شورا داشته‌اند، انجمن در تأیید شاه و اطرافیانش راه مبالغه پیمود. (۱۳۸) و چون حوادث منجر به کودتای مشترک استبداد داخلی و قدرتهای خارجی (روس و انگلیس) به دست محمدعلی شاه علیه مشروطه در سال ۱۳۲۶ ق آغاز گردید (۱۳۹) و محمدعلی شاه ظاهراً مسبب اصلی کودتا شناخته شد، انجمن با شدت تمام عوامل آشکار کودتا را محکوم کرد و روحانیون عضو انجمن اصفهان طی فتوایی خلع محمدعلی شاه را از سلطنت اعلام و ضرورت حذف مجموعه رجال کودتاچی مجتمع در باغشاه تهران را خواستار شدند. (۱۴۰) هر چند که در عرصه عمل هنگام کودتا از یکصد و پنجاه هزار (۱۴۱) نفر مردم حامی مشروطه رژه رونده در میدان شاه خبری نبود و وعده‌ها از حد حرف فراتر نرفت. (۱۴۲) صرف نظر از مواضع فوق که متأثر از حوادث بود، دید کلی انجمن نسبت به مجموعه قاجاریه حاکی از آن بود که وجود آن سلسله مضر به حال ملت ایران بوده و آل قاجار بزرگترین سیئات را در حق ملت ایران انجام داده است. (۱۴۳) انجمن اصفهان در برابر مجلس شورای ملی غالباً در موضع اطاعت و رعایت سلسله مراتب بوده است و چون احکام آن را عین اسلام می‌دانست، بیشترین توجه خود را معطوف به حمایت از آن نمود (۱۴۴) و مجلس را عصاره ملت، مساوی تمدن و مانع ظلم و استبداد معرفی کرده است (۱۴۵) و در مواقع وزش طوفان استبداد و تهدید کیان نهضت، انجمن مدعی بسیج و سازماندهی ۶۰ تا ۱۵۰ هزار نفر از مردم در حمایت از مجلس و مشروطیت شد. (۱۴۶) ولی در بعضی اوقات نیز که اختلاف نظرهایی بین مجلس شورای ملی و انجمن بروز می‌نمود، انجمن بر اساس نظریات خود، در اصفهان عمل کرده است. از آن جمله اختلاف نظر جدی انجمن اصفهان با مجلس شورای ملی و دولت پیرامون نحوه تعیین

نقش روحانیت اصفهان در انجمن ولایتی بر...

حاکم برای اصفهان بود. «حضرت ثقة الاسلام: مسئله مهمه در پیش افتاده که آقای علاءالملک حاکم اصفهان شده، آدم خوبی و اهل قانون می باشند. اما در ماده ۹۹ نظامنامه انجمن ایالتی نوشته شده هر حاکم که منصوب می شود باید از انجمن ملی آن محل استعلام شود. اگر چه رای اعضای انجمن لازم الاجراء نیست و این استعلام واقع نشده و اگر یک حق ملت اجرا نگردد هیچ حق از حقوقشان اجراء نخواهد شد،... بین اعضا در این ماده، مذاکرات، زیاد شد که آیا باید بر حسب حق خود به تهران به مجلس دارالشورای پروتست شود تا جواب بیاید یا نه؟ تلگرافی ترسیم کرده مخابره نمودند.»<sup>(۱۴۷)</sup>

نمونه ای دیگر از اختلافات اصفهان و مجلس شورای ملی را می توان در موضوع ایالت یا ولایت بودن منطقه اصفهان پی گرفت. انجمن اصفهان از بدو تاسیس بر آن اعتقاد داشت که باید اصفهان از مرتبه ولایت به ایالت ارتقا یابد و انجمن اصفهان نیز ایالتی محسوب شود و در این زمینه انجمن به کرات مجلس شورای ملی را تلگرافی مخاطب قرار داد و ادله فراوان اقامه کرد که در صورت مخالفت با ایالت محسوب شدن اصفهان «بر خلاف میزان نظامنامه [عمل شده] و دو کرور جمعیت شهر و بلوکات آن خاک راضی نخواهد شد. مستدعی است مرحمتی تلگرافی در شناخته شدن اصفهان جزء ایالات عاجلاً مرقوم که عموم ما متشکر و رفع شکایت آنها بشود.»<sup>(۱۴۸)</sup> علی رغم اصرار دائم انجمن، این درخواست مورد پذیرش مجلس شورا قرار نگرفت و اصفهان ناباورانه ماهیت ولایتی خود در کشور را پذیرفت و عنوان روزنامه ارگان آن به انجمن مقدس ولایتی اصفهان تغییر نام یافت<sup>(۱۴۹)</sup> و مهر انجمن را از ملی به ولایتی تغییر داد و مهر انجمن ملی شکسته شد.<sup>(۱۵۰)</sup>

از جمله موارد دیگری که باعث بروز تنش در روابط مجلس شورا و انجمن اصفهان شد مسأله ورود ظل السلطان - حاکم سابق - به اصفهان و مخالفت جدی مردم و انجمن اصفهان [روزنامه، ۱، ۳۴، ۶] علی رغم درخواست مؤکد مجلس شورای ملی، با این امر بود.<sup>(۱۵۱)</sup> یکی دیگر از مسائلی که انجمن مقدس ملی اصفهان به وضوح در قبال آن اعلام موضع کرد، اظهار نظر پیرامون دو گروه مشروعه خواهان و مخالفین مشروطیت بود. انجمن با روحانیون مخالف مشروعه در اصفهان، با صراحت و از موضع قدرت برخورد کرد و برای خود این حق را قائل شد تا محدودیت هایی در خور توجه را علیه این گروه به کار بندد!<sup>(۱۵۲)</sup>

اما در مواجهه با مشروعه خواهان تهران خصوصاً آیت الله شیخ فضل الله نوری، انجمن ابتدا راه تاءید شخص شیخ فضل الله را پیمود و ضمن تقبیح برخی توهین های صورت گرفته به ایشان، اهانت به شیخ را اهانت به همه علما دانست و آیت الله ثقة الاسلام شهادت داد که تا کنون شیخ در جهت تقویت مشروعه و مجلس شورا تلاش کرده است.<sup>(۱۵۳)</sup> چون تصور بر این بود

که مجلس مقدس حفظ مراتب توحید و مسلمانی<sup>(۱۵۴)</sup> می‌کند و وظیفه نمایندگان را وضع قانون به مقتضای حال می‌دانستند نه دخالت در شریعت،<sup>(۱۵۵)</sup> لذا همه علمای اصفهان قرآن مهر کردند و سوگند خوردند که در حمایت از مشروطه بکوشند.<sup>(۱۵۶)</sup> بر این اساس بود که آیت‌الله ثقة‌الاسلام به عنوان نماینده انجمن اصفهان در مخالفت با شیخ فضل‌الله نوری که مشروطه اجرا شده در ایران را منطبق با موازین اسلامی نمی‌دانست،<sup>(۱۵۷)</sup> به شدت موضع گرفت.<sup>(۱۵۸)</sup> آنچه در این میان شایان توجه است، ذکر این نکته است که با توجه به اصول و اعتقادات دینی مشترک شیخ فضل‌الله و ثقة‌الاسلام رئیس انجمن اصفهان و اصرار این دو به ضرورت صیانت از اسلام و حاکمیت آن در جامعه، آیا نهضت مشروطه در نگرش کلی با توجه به عملکرد آن، تلاشی به عمل آورد که اصول و مقررات شرعی را در جامعه تحقق بخشد تا در خور ستایش‌ها و تلاشهای روحانیت و انجمن اسلام‌گرای اصفهان باشد؟

از جمله محورهای عمده دیگری که شناخت مواضع انجمن در قبال آن ضرورت دارد، مسأله مسعود میرزا ظل‌السلطان حاکم مقتدر و شاه‌گونه اصفهان است.<sup>(۱۵۹)</sup> وی مقارن با پیروزی نهضت مشروطه حاکم بلامنازع نه تنها اصفهان که جنوب ایران بود<sup>(۱۶۰)</sup> و مردم اصفهان بعد از پیروزی نهضت مشروطه بنا به سابقه قبلی علی‌رغم آنکه ظل‌السلطان در انجمن اعلام کرد که سیف قاطع و نفوذ و تسلطش در اختیار مجلس شورای ملی است.<sup>(۱۶۱)</sup> حاضر به پذیرش حکومت او در اصفهان نبودند. لذا با جدیت تمام و سازماندهی ضمنی مخالفت‌های مسالمت‌آمیز پی در پی مردم، عزل او را از حکومت اصفهان درخواست کردند<sup>(۱۶۲)</sup> و در نهایت دولت طی تلگرافی خبر عزل ظل‌السلطان از حکومت اصفهان را به اطلاع ثقة‌الاسلام رئیس انجمن رسانید<sup>(۱۶۳)</sup> و در ماههای بعد نیز که وی قصد سرکشی به املاک و خانواده خود را در اصفهان داشت، مردم و انجمن با ورود وی حتی به اطراف اصفهان - علی‌رغم حمایت سفارتخانه‌های خارجی<sup>(۱۶۴)</sup> و موافقت مجلس شورای ملی<sup>(۱۶۵)</sup> - مخالفت کردند<sup>(۱۶۶)</sup> و بدون توجه به تلگرافهای تهدیدآمیز ظل‌السلطان،<sup>(۱۶۷)</sup> نسبت به ادامه کار و فعالیت همکاران سابق وی در اصفهان نیز اعتراض داشتند.<sup>(۱۶۸)</sup> اما در ماههای بعد مخالفت مشترک انجمن اصفهان و ظل‌السلطان با محمدعلی شاه که هر یک با انگیزه‌های ویژه خود با وی در افتاده بودند، آنها را به یکدیگر نزدیک ساخت و تلگرافهای محبت‌آمیز بین ایشان رد و بدل شد<sup>(۱۶۹)</sup> و چون غائله مخالفت محمدعلی شاه با مشروطه بالا گرفت، انجمن طی تلگرافی به مجلس شورای ملی ضرورت عزل محمدعلی شاه از سلطنت و انتخاب ظل‌السلطان را - که هوادار مشروطه شده بود - به عنوان نایب‌السلطنه ایران درخواست کرد.<sup>(۱۷۰)</sup>

آخر سخن به شناخت مواضع انجمن پیرامون قرارداد، غیرمنطقی و نامناسب ۱۹۰۷ م<sup>(۱۷۱)</sup>

نقش روحانیت اصفهان در انجمن ولایتی بر...

روس و انگلیس در خصوص کشورهای جنوب غربی آسیا خصوصاً ایران اختصاص دارد. قبل از بیان موضع انجمن اصفهان ذکر این نکته ضروری است که مجلس اول نسبت به قرارداد موضعی نسبتاً معتدل داشت<sup>(۱۷۲)</sup> و دولتمردان آن را مفید به حال مشروطه دانسته بودند.<sup>(۱۷۳)</sup> اما دیدگاه انجمن اصفهان غیر از این بود: «معاهده روس و انگلیس در نفوذ تجارت خود می نماید. خانه از دیگری صاحبش زنده، دارند خانه را قسمت می کنند... آیا یکی نیست این نکته را درک کند که یعنی ایران جزو مملکت خودمان است و کسی را صاحب نمی دانیم.»<sup>(۱۷۴)</sup> آیت الله ثقة الاسلام در جلسه شنبه ۲ شوال ۱۳۲۵ انجمن مجدداً در خصوص قرارداد ۱۹۰۷ گفت: «در باب هر دولتی معاهده نوشتند مقید به امضای آن دولت نمودند. مثل امیر افغانستان و تبت و غیرهما. اما در این معاهده اسم دولت ایران را نبرده اند، به این معنی که ما محل اعتنا نیستیم و شرف ما را برده اند.»<sup>(۱۷۵)</sup> با توجه به تلاش روس و انگلیس جهت کشاندن مجلس و دولت به موضع بی تفاوتی در قبال قرارداد ۱۹۰۷ م مخالفت صریح انجمن مقدس ملی اصفهان در خور توجه است.

۲۹۹

#### نتیجه

رستاخیز اصلاح ساختار سیاسی جوامع که در طلوع سده اخیر به اوج خود رسید، اغلب کشورها خصوصاً بزرگ کشور ما ایران را نیز متأثر از برکات خود کرد. در ایران آن زمان هر فرد یا جریانی که با استعدادتر و به اوضاع زمان خود آگاه تر بودند و مشکلات و موانعی را که سد راه استقلال و توسعه همه جانبه کشور بود سریع و صحیح تر درک می نمود، در جهت تحقق توسعه و سعادت ملت و کشور با ایمان و استواری بیشتری قدم برداشته است.

- در اصفهان مقارن با این نهضت فراگیر و ضروری، روحانیت شهر به لحاظ موقعیت علمی شاخص و ارتباط صمیمی با مردم و بازار و اقشار نوخواه و خوش سابقه در مبارزه با پدیده نامیمون استبداد داخلی و استعمار خارجی، این موقعیت برایش فراهم آمد تا نهضت عدالت خواهی مشروطه را رهبری نموده به انجام رساند. لذا نهادهای سیاسی برخاسته از آن نظام، همچون تشکیل انجمن مقدس ملی - انجمن ولایتی اصفهان - با حمایت قاطع روحانیت در اصفهان شکل گرفت و زودتر از بسیاری نقاط کشور عملاً عهده دار وظایف محوله - و حتی فراتر از آن - گردید.

- اقدام روحانیت در تاسیس روزنامه انجمن مقدس ملی در اصفهان به عنوان ارگان انجمن، از جمله خدمات ذی قیمتی بود که به مدت پنج سال تداوم یافت و محتوایش روشنگر بخش درخور توجهی از تاریخ نهضت مشروطیت در کشور و منطقه اصفهان و تعیین کننده اوضاع

اجتماعی و چگونگی فعل و انفعالات سیاسی آن دوران در اصفهان بود و حلقه اتصال مردم و انجمن به شمار می‌رفته است.

- یقیناً اگر روحانیت اصفهان در تأسیس انجمن مقدس ملی فعالانه شرکت جست و همه اعتبار مادی و معنوی خود را در جهت استقرار و قوام آن به کار بست، با آن انگیزه به میدان آمد که نه تنها نهضت مشروطیت که ارگانهای برخاسته از آن، چون انجمن مقدس ملی را ابزاری مفید و لازم در جهت تحقق عملی اسلام و اقتدار دین و مبارزه با استبداد و استعمار می‌پنداشت و متصور بود که از آن طریق به آرمانهای دینی و ملی خود نایل خواهد گشت.

- علی‌رغم آنکه مجلس شورای ملی هنوز دستورالعملی مشخص را در زمینه انواع انجمن‌ها، حیطه فعالیت و وظایف و اختیارات آنها، تدوین و ارسال نکرده بود، روحانیت فعال در انجمن اصفهان، ابتدا انجمن را در اصفهان مستقر نمود و سپس با قدرت و سرعت در مناطق همجوار - در جنوب و جنوب شرقی کشور تا سواحل خلیج فارس - به تاسیس انجمن‌های ایالتی و ولایتی کمک نمود و از حمایت معنوی و سیاسی خود برخوردارشان ساخت.

- از جمله ویژگیهای انجمن اصفهان و اقدامات مهم روحانیون مؤسس آن، می‌توان به امور ذیل اشاره نمود: بسیج گسترده و بی‌نظیر مردم در جهت حمایت از اهداف نهضت مشروطیت، تأسیس و استقرار دهها انجمن سیاسی و انجمن‌های متعدد ایالتی و ولایتی، تلاش در زمینه پاسخگو بودن مسئولین و متصدیان امور در قبال مردم و تعمیم روحیه پرسش‌گری منطقی در مردم، انجام اقداماتی مثمر ثمر در اصلاح امور نظامی، مالی، تجاری منطقه، ارائه خدمات رفاهی و اقتصادی و تلاش در جهت استقرار مؤسسات اجتماعی جدید چون بانک و مدارس جدید. لذا می‌توان مدعی شد که: انجمن اصفهان نسبت به کارنامه سایر انجمن‌های معاصر خود، از جمله نمونه‌های پرکار و موفق در سطح کشور می‌باشد.

- غرق شدن انجمن در جزئیات و توجه الزامی به خواسته‌های کوچک و شخصی که اقتضای زمانه بود، توقع بی‌جای برخی جریانهای درون شهری و اقشاری از مردم، مانع از آن می‌شد که انجمن مقدس ملی به رسالت خود عمل نموده و بعضاً موجب یأس هواداران پرشور خود می‌گردید.

- انجمن و روحانیت فعال در آن، آنگاه که بر اساس درک و تشخیصش، خود را در موضوع یا رخدادی محق می‌دانستند با استقلال و قاطعیت تمام وارد به امور گردیده و جایگاه و موقعیت طرف مقابل - ولو مجلس شورای ملی، شاه و دربار، دولت و حاکم اصفهان بود - تأثیر چندانی بر خواسته‌ها، مواضع و اقدامات آنها نمی‌گذاشت.

نقش روحانیت اصفهان در انجمن ولایتی بر...

### پانوشت ها :

- ۱- جناب ، میرسیدعلی- الاصفهان- انتشارات گلها- اصفهان- چاپ دوم- ۱۳۷۱- ص ۷۷.
- ۲- جناب ، همان ، صص ۷۷، ۷۹، ۹۱.
- ۳- جناب ، همان صص ۷۷ و ۹۱
- ۴- جناب ، همان ص ۶۵.
- ۵- جناب ، همان ، صص ۶۵-۹۱.
- ۶- قرآن کریم ، سوره زمر، آیه ۱۸.
- ۷- حائری ، عبدالهادی ، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ، چاپ دوم ، ۱۳۶۴ ، ص ۱۵.
- ۸- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان- س ۱- ش ۳۰- ص ۱.
- ۹- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲۹- ص ۲.
- ۱۰- همان روزنامه ، س ۲- ش ۳- ص ۶.
- ۱۱- همان روزنامه ، س ۲- ش ۳- ص ۸.
- ۱۲- رضوانی ، هما ، لویح آقا شیخ فضل الله نوری ، نشر تاریخ ایران ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۶۲ ، صص ۲۷، ۴۳، ۵۱.
- ۱۳- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان- س ۱- ش ۳۸- ص ۲.
- ۱۴- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۸- ص ۲-۳.
- ۱۵- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۳- ص ۴.
- ۱۶- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲۹- ص ۲.
- ۱۷- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۷- ص ۴.
- ۱۸- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۸- ص ۲.
- ۱۹- این جمله از قول ظل السلطان حاکم اصفهان نقل شده است.
- ۲۰- بامداد ، مهدی ، شرح حال رجال ایران در قرنهای ۱۲، ۱۳، ۱۴ ، انتشارات زواره ، تهران ، چاپ چهارم ، ۱۳۷۱ ، ج ۴ ، ص ۷۸.
- ۲۱- بامداد ، همان ، ج ۳ ، ص ۳۲۶.
- ۲۲- بامداد ، همان ، ج ۴ ، ص ۳۹۳.
- ۲۳- حائری ، همان ، ص ۱۵۳ . همچنین ر.ک : اعتماد السلطنه ، محمدحسین خان - تعلیقات محبوبی اردکانی ، حسین - المآثر و الآثار چهل سال تاریخ ایران ، انتشارات اساطیر ، چاپ اول ، ۱۳۶۸ ، ج ۲ ، ص ۷۷۳.
- ۲۴- دوانی ، علی ، نهضت روحانیون ایران ، انتشارات بنیاد فرهنگی امام رضا(ع) ، بی جا ، بی تا ، ج ۱ ، ص ۹۱.
- ۲۵- بامداد- همان- ج ۴- ص ۳۹۳.
- ۲۶- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان- س ۱- ش ۱۲- ص ۵.
- ۲۷- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲۶- ص ۳.
- ۲۸- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۸- ص ۵.
- ۲۹- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۴- ص ۵.
- ۳۰- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۵- ص ۷.
- ۳۱- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۴- ص ۷ و ش ۳۶- ص ۳ و ش ۳۹- ص ۳.
- ۳۲- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۳.
- ۳۳- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲۷- ص ۲.

## فصلنامه مطالعات تاریخی

- ۳۴- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۸- ص ۶.  
۳۵- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۸- ص ۲.  
۳۶- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۶- ص ۳.  
۳۷- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۹- ص ۶.  
۳۸- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۶- ص ۲- ۱ و ش ۳۸- ص ۳.  
۳۹- همان روزنامه ، س ۲- ش ۳- صص ۷-۸- همچنین رک: س ۱- ش ۳۳- ص ۲ و س ۲- ش ۵ ص ۴.  
۴۰- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۶- ص ۷ و همچنین ر.ک: س ۱- ش ۱۱- ص ۲ و س ۱- ش ۵ ص ۱- ش ۲۱- ص ۷.  
۴۱- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۵- ص ۱.  
۴۲- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۹- ص ۱.  
۴۳- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۹- ص ۶ و ش ۳۱- ص ۱۱ و ش ۲- ۲- ش ۲- صص ۶، ۲، ۱ و ش ۳- صص ۱ و ۳ و س ۲- ش ۲۸- ص ۶.  
۴۴- همان روزنامه ، س ۲- ش ۲۸- ص ۶.  
۴۵- همان روزنامه ، س ۲- ش ۳- ص ۸.  
۴۶- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۹- ص ۶.  
۴۷- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۵- ص ۱.  
۴۸- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۸- ص ۲.  
۴۹- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۷- ص ۴.  
۵۰- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲۹- ص ۲.  
۵۱- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۹- ص ۱.  
۵۲- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۴- ص ۲.  
۵۳- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۸- ص ۲.  
۵۴- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۳- ص ۲.  
۵۵- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۲- ص ۱.  
۵۶- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱- ص ۳.  
۵۷- صدرهاشمی ، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران - انتشارات کمال - اصفهان - چاپ دوم - ۱۳۶۳ - جلد ۱- ص ۲۹۰.  
۵۸- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان - س اول - ش ۳ - ص ۲.  
۵۹- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۸- ص ۸.  
۶۰- همان روزنامه ، س ۲- ش ۲- ص ۲.  
۶۱- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲- ص ۷.  
۶۲- همان روزنامه ، س ۱- ش ۵- ص ۳.  
۶۳- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳- ص ۲.  
۶۴- صدرهاشمی ، همان ، ج ۱ ، ص ۲۹۰.  
۶۵- صدرهاشمی ، همان ، ج ۱ ، ص ۲۹۱.  
۶۶- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان ، س ۱- ش ۲- ص ۲.  
۶۷- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳- ص ۳.

نقش روحانیت اصفهان در انجمن ولایتی بر...

- ۶۸- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۱ - ص ۴ .  
۶۹- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۲ - ص ۳ .  
۷۰- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۳ - ص ۳ .  
۷۱- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۱ - ص ۴ .  
۷۲- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۳۰ - ص ۲ .  
۷۳- صدرهاشمی ، همان ، ج ۱ ، ص ۲۹۰ .  
۷۴- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان - س ۱ - ش ۱ - ص ۳-۴ .  
۷۵- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۵ - ص ۳ .  
۷۶- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۱۷ - ص ۱ .  
۷۷- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۱ - ص ۴ . همچنین ر.ک: ش ۳۸ . ص ۴ .  
۷۸- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۲ - ص ۲ .  
۷۹- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۳ - ص ۲ .  
۸۰- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۵ - ص ۳ .  
۸۱- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۵ - ص ۳ .  
۸۲- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۱۶ - ص ۸ .  
۸۳- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۱۶ - ص ۸ .  
۸۴- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۹ - ص ۵ .  
۸۵- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۱۰ - ص ۲ و ۳ .  
۸۶- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۲۲ - ص ۶ .  
۸۷- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۲۵ - ص ۷ .  
۸۸- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۳۰ - ص ۲ .  
۸۹- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۳۰ - ص ۲ .  
۹۰- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۴۸ - ص ۳ .  
۹۱- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۲۹ - ص ۲ .  
۹۲- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۱۱ - ص ۷ .  
۹۳- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۳ - ص ۴ .  
۹۴- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۳۷ - ص ۴ .  
۹۵- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۴۱ - ص ۳ .  
۹۶- همان روزنامه ، س ۱ - ش ۳۹ - ص ۳ .  
۹۷- صدرهاشمی ، همان ، ج ۱ ، ص ۲۸۹ .  
۹۸- براون ، ادوارد ، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت ، انتشارات کانون معرفت ، تهران ، ۱۹۵۸ م ، ج ۲ ، ردیف ۶۶ .  
۹۹- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان ، س ۱ - ش ۱ - ص ۱ .  
۱۰۰- صدرهاشمی ، همان ، ج ۱ ، ص ۲۸۹ .  
۱۰۱- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان ، س ۱ - ش ۴۳ - ص ۳ .  
۱۰۲- صدرهاشمی ، همان ، ج ۱ ، ص ۲۹۲ .  
۱۰۳- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان ، س ۲ - ش ۲۲ - ص ۱ .

## فصلنامه مطالعات تاریخی

- ۱۰۴- همان روزنامه ، س ۱- ش ۶ .  
۱۰۵- همان روزنامه ، س ۱- ش ۷ .  
۱۰۶- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱- ص ۱ .  
۱۰۷- همان روزنامه ، همان .  
۱۰۸- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۷- تمامی صفحات .  
۱۰۹- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۶- ص ۷ .  
۱۱۰- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲۳- ص ۲ . همچنین ر.ک : س ۱- ش ۲۸- ص ۸ .  
۱۱۱- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۱- صص ۷-۸ .  
۱۱۲- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲۳- ص ۵ .  
۱۱۳- ر.ک : همین مقاله صص .  
۱۱۴- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان ، س ۱- ش ۴۸- ص ۷ .  
۱۱۵- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۷- ص ۷ .  
۱۱۶- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۸- ص ۳ .  
۱۱۷- همان روزنامه ، س ۲- ش ۷- ص ۶ .  
۱۱۸- همان روزنامه ، س ۲- ش ۱۱- ص ۲ .  
۱۱۹- همان روزنامه ، س ۵۲- ش ۷- ص ۸ . همچنین ر.ک : س دوم- ش ۱- ص ۱ .  
۱۲۰- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۱- ص ۷ .  
۱۲۱- همان روزنامه ، س ۲- ش ۷- ص ۷ .  
۱۲۲- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۷- ص ۶ .  
۱۲۳- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۶- ص ۸ .  
۱۲۴- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۴- ص ۱ .  
۱۲۵- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۳- ص ۷ .  
۱۲۶- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۸- ص ۲ .  
۱۲۷- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۲- صص ۳ و ۲ . همچنین ر.ک همان- ش ۴۱- ص ۷ .  
۱۲۸- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۳- ص ۲ .  
۱۲۹- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۵- ص ۶ .  
۱۳۰- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۴- ص ۸ .  
۱۳۱- همان روزنامه ، س ۲- ش ۲- ص ۶ .  
۱۳۲- دوانی ، همان ، ج ۱ ، ص ۱۲۲ .  
۱۳۳- همان روزنامه ، س ۲- ش ۳- ص ۸ .  
۱۳۴- همان روزنامه ، س ۲- ش ۲۸- ص ۶ .  
۱۳۵- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲- ص ۴ .  
۱۳۶- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۴- ص ۷ .  
۱۳۷- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۶- ص ۷ .  
۱۳۸- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۰- ص ۵۰ .  
۱۳۹- مجله مدرس ، فصلنامه دانشگاه تربیت مدرس تهران ، دوره اول ، شماره ۴ ، تابستان ۱۳۷۰ ، مقاله اثرات قرارداد  
۱۹۰۷ بر نهضت عدالت طلبی ، مهدی مهرعلی زاده ، ص ۶۲ .

نقش روحانیت اصفهان در انجمن ولایتی بر...

- ۱۴۰- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲۸- ص ۶.  
۱۴۱- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۱- ص ۲.  
۱۴۲- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲۸- ص ۵.  
۱۴۳- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۶- ص ۷.  
۱۴۴- همان روزنامه ، س ۱- ش ۵- ص ۳.  
۱۴۵- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱- ص ۱.  
۱۴۶- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۱- ص ۲.  
۱۴۷- همان روزنامه ، س ۲- ش ۱۲- ص ۱.  
۱۴۸- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۷- ص ۸. همچنین رک: ش ۲۲- ص ۱ و ش ۷ ص ۲.  
۱۴۹- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲۲- ص ۱.  
۱۵۰- همان روزنامه ، س ۲- ش ۲۵- صص ۴-۵.  
۱۵۱- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۴- صص ۶-۷.  
۱۵۲- همان روزنامه ، س ۲- ش ۲۳- ص ۴. همچنین رک: س ۱- ش ۳۰- صص ۵-۶ و ش ۳۴- ص ۷ و ش ۴۸- ص ۴.  
۱۵۳- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲۸- ص ۴.  
۱۵۴- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۸- ص ۲.  
۱۵۵- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۳- ص ۲.  
۱۵۶- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۹- ص ۶.  
۱۵۷- لوائح آقا شیخ فضل الله نوری ، همان ، ص ۲۸.  
۱۵۸- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳- ص ۸.  
۱۵۹- بامداد ، همان ، ج ۴ ، ص ۷۹.  
۱۶۰- بامداد ، همان ، ج ۴- ص ۸۰.  
۱۶۱- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱- ص ۳.  
۱۶۲- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۱- ص ۴. همچنین رک- ش ۱۲- ص ۵ و ص ۲.  
۱۶۳- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۲- ص ۵.  
۱۶۴- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۴- صص ۳ و ۶.  
۱۶۵- همان روزنامه ، س ۱- ش ۳۴- صص ۴-۵.  
۱۶۶- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲۷- صص ۱-۶.  
۱۶۷- همان روزنامه ، س ۱- ش ۲۷- صص ۵-۶.  
۱۶۸- همان روزنامه ، س ۱- ش ۱۸- ص ۲.  
۱۶۹- همان روزنامه ، س ۲- ش ۶- ص ۵.  
۱۷۰- همان روزنامه ، س ۲- ش ۲۷- ص ۸.  
۱۷۱- مجله مدرس ، همان مقاله اثرات قرارداد ۱۹۰۷ نهضت عدالت طلبی .  
۱۷۲- مجله مدرس ، همان ، ص ۶۲.  
۱۷۳- مجله مدرس ، همان ، ص ۶۲.  
۱۷۴- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۵- ص ۳.  
۱۷۵- همان روزنامه ، س ۱- ش ۴۶- ص ۴.